

علم أصول الفقه

٣٣

اوامر ٢٠-٩-٩٥

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

تعبدیت و توصلیت در امر

- تعبدیت و توصلیت در امر
- آیا اصلاً توجه تکلیف به چیزی به قید قصد قربت ممکن است یا نه که اگر ممکن نباشد، اصلاً امکان امر تعبدی وجود نخواهد داشت و باید همه اوامر توصلی باشد.
- البته شک نداریم که در شریعت تکالیفی وجود دارند که بدون قصد قربت ساقط نمی‌شوند. عبادات بالمعنی الأخص مانند صلاة و صوم و حج از این قبیل اند.

تعبدیت و توصلیت در امر

معنای تعبدی
بودن و
توصلی بودن

توجه تکلیف
به چیزی به
قید قصد
قربت ممکن
است یا نه

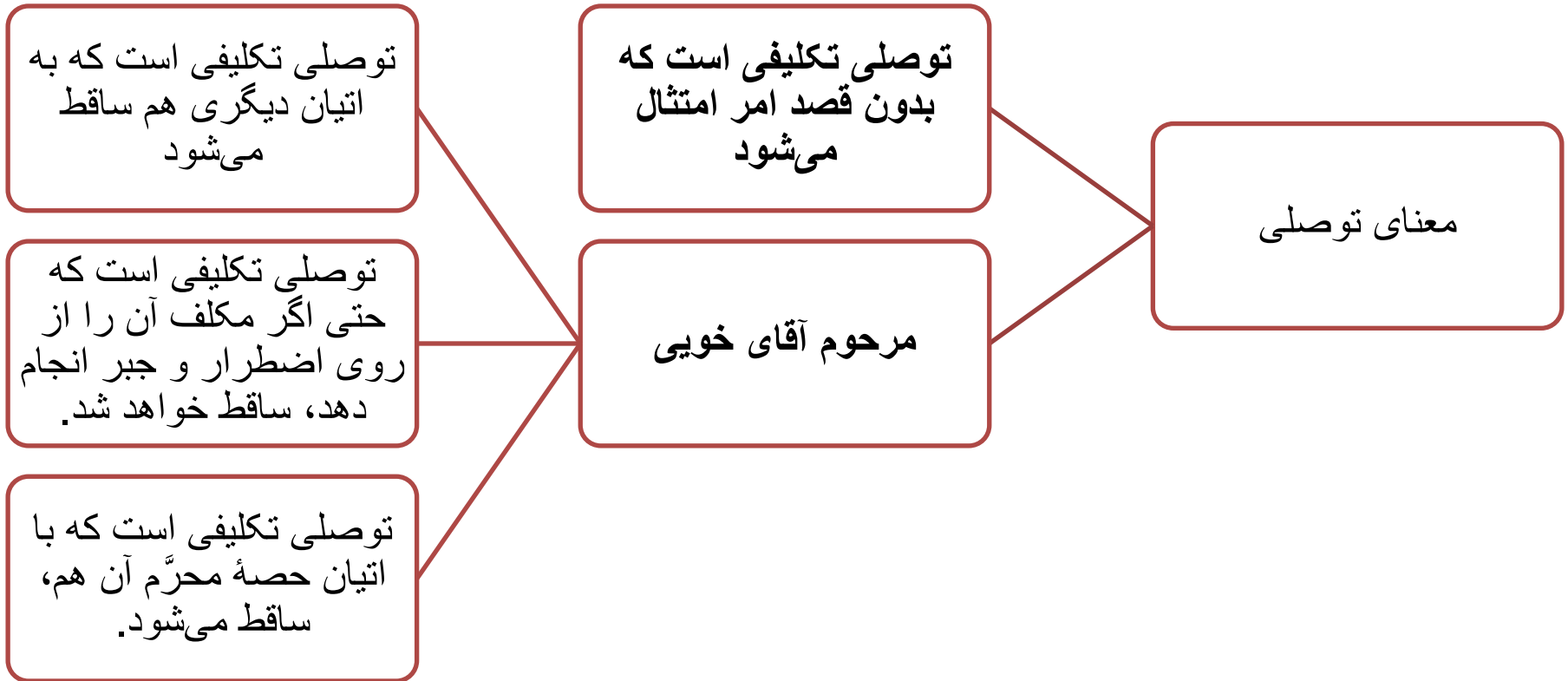
اصل در
اوامر
تعبدیت است
یا توصلیت

تعبدیت و توصلیت در امر

- بنابراین ما در واقع در جستجوی تفسیری برای تعبدیت در اوامر هستیم. این تفسیر به ما کمک خواهد کرد تا به سؤال اصلی بحث پاسخ دهیم که آیا اصل در اوامر تعبدیت است یا توصلیت.
- قبل از پاسخ به این سؤال، اصولی‌ها با طرح برخی از بحث‌ها خواسته‌اند موضوع این بحث را منقح کنند. اولین بحث است.

تعبدیت و توصلیت در امر

- نوع اصولی‌ها برای تعبدی و توصلی این معنا را ذکر کردند که تعبدی عبارت از تکلیفی است که بدون قصد امر امثال نمی‌شود و توصلی تکلیفی است که بدون قصد امر امثال می‌شود.



تعبدیت و توصلیت در امر

- تعاریف سه گانه مرحوم خوئی
- در بین اصولی ها تنها مرحوم آقای خوئی است که غیر از معنای پیش گفته برای تعبدی و توصلی سه معنای دیگر را به صورت خیلی گذرانه به صورت بحث جدی، مطرح می کند:

تعبدیت و توصلیت در امر

- ۱. توصلی تکلیفی است که به اتیان دیگری هم ساقط می شود؛ یعنی لازم نیست حتماً خود مکلف آن را انجام دهد. در مقابل تعبدی آن تکلیفی است که خود مکلف باید آن را اتیان کند.
- ۲. توصلی تکلیفی است که حتی اگر مکلف آن را از روی اضطرار و جبر انجام دهد، ساقط خواهد شد. در مقابل تعبدی تکلیفی است که مکلف باید آن را با اختیار و بدون جبر انجام بدهد.
- ۳. توصلی تکلیفی است که با اتیان حصه محرم آن هم، ساقط می شود. در مقابل تعبدی تکلیفی است فقط با اتیان حصه غیر محرم ساقط می شود.

تعبدیت و توصلیت در امر

- شهید صدر - رضوان الله علیه - مفصل به این معانی سه گانه پرداختند. در بین این معانی فقط همان معنای اول شناخته شده است و همه اصولی ها به آن اشاره کرده اند.
- دو معنای دیگر در حدی که من در آثار اصولی تفحص کردم، توسط هیچ یک از اصولی های دیگر گفته نشده است و در ادبیات فقهی هم چنین معنای ای برای توصلی و تعبدی وجود ندارد. بنابراین نمی دانم مدرک آقای خوئی چیست. البته ممکن است بگوییم جعل اصطلاح کرده اند و فی نفسه اشکالی ندارد.

تعبديت و توصليت در امر

- الخوئي، السيد ابوالقاسم، مصباح الأصول، ج ١، ص ٢٩٦، مكتبة الداوري، قم، چاپ اول، ١٤٢٢ هـ. ق.
- الصدر، السيد محمد باقر، بحوث في علم الأصول (تقرير سيد محمود شاهردوي)، ج ٢، ص ٦٣، مؤسسة دائرة المعارف فقه اسلامي بر مذهب اهل بيت عليهم السلام، قم، چاپ سوم، ١٤١٧ هـ. ق.

تعبدیت و توصلیت در امر

- اصل اول در توصلی و تعبدی بودن امر
- از گذشته در بحث امر مطرح بوده است که آیا امر به طبیعت اولیه اش تکلیفی را اقتضا می کند که سقوط آن نیازمند قصد قربت است یا مقتضی تکلیفی است که سقوط آن نیازمند قصد قربت نیست.

تعبدیت و توصلیت در امر

- برای مثال وقتی مولا امر کرد: «یک لیوان آب بیاور» و قرینه‌ای بر تعبدی یا توصلی بودن در آن وجود ندارد، آیا این امر در صورتی ساقط می‌شود که شخص مأمور حتماً قصد امر کند یا در صورتی ساقط می‌شود که این عمل تحقق پیدا کند؛ هرچند مأمور قصد امر مولا را نداشته باشد و آن عمل را به عنوان اینکه مطلوب مولا است، انجام نمی‌دهد.

تعبدیت و توصلیت در امر

- در اینجا این سؤال پدید می آید که اساساً آیا تعلق امر به چیزی به قصد همان امر معنادار است؟
- یعنی آیا مولا می تواند مثلاً این طور امر کند: «یک لیوان آب بیاور به قصد همین امری که من الآن به تو کردم»؛ به تعبیر دیگر آیا امکان دارد متعلق یک امر مقید به قصد همان امر باشد؟

تعبدیت و توصلیت در امر

- اشکال اول مرحوم آخوند
- می‌فرمایند تعلق امر به چیزی که مقید به قصد همان امر باشد، محال است؛ زیرا در فرضی که متعلق امر مشروط به قصد امر باشد، در حقیقت تحقق متعلق، متوقف بر شرطش یعنی تحقق قصد امر خواهد بود.

تعبدیت و توصلیت در امر

- برای تحقق قصد امر باید قبل از قصد، امری باشد. پس تحقق چنین متعلقی متأخر از قصد امر و بالمآل متأخر از خود امر است.
- از طرفی دیگر خود امر اقتضا می‌کند که متعلقش قبل از خودش باشد. پس از یک سو امر باید مقدم بر متعلقش باشد و از سوی دیگر باید متأخر از متعلقش باشد و دور لازم می‌آید؛

تعبدیت و توصلیت در امر

- به عبارت دیگر امر متوقف بر متعلقش و متعلقش متوقف بر شرط متعلق که همان قصد امر است و قصد امر متوقف بر خود امر است.
- در نتیجه امر متوقف بر خودش است و توقف شیء علی نفسه، مستلزم تقدم شیء علی نفسه است که محال است.
- در مباحث فلسفی می‌گوییم چیزی که مستلزم محال باشد، خودش محال هم است.
- . کفایة الأصول، ص ۷۲.

تعبدیت و توصلیت در امر

- پاسخ به مرحوم آخوند
- به بیان ایشان جواب‌هایی داده شده است. بهترین جواب این است که امر بر وجود ذهنی متعلق متوقف است نه بر وجود خارجی آن.

تعبدیت و توصلیت در امر

- امر باید متعلق امر را قبل از امر تصور کند؛ برای نمونه وقتی امر می‌خواهد امر کند «یک لیوان آب بیاور»، باید مفهوم «آوردن آب» را تصور کند ولی لازم نیست در خارج خود متعلق تحقق پیدا کند.
- اصلاً اگر متعلق امر در خارج موجود باشد، دیگر امر به آن معنادار نیست؛ زیرا طلب تحصیل حاصل می‌شود در حالی که امر طلب چیزی است که در ظرف امر کردن حاصل نیست و قرار است با این امر زمینه تحققش فراهم شود.

تعبدیت و توصلیت در امر

- اما آنچه متعلق امر بر آن توقف دارد، وجود خارجی امر است؛ یعنی وقتی متعلق امر بخواهد در خارج تحقق پیدا کند، باید امری واقعاً باشد تا قصد امری تحقق پیدا کند و این فعل به قصد همین امر قابل تحقق در خارج، انجام شود. بنابراین دوری در کار نیست.